

در بازنگری جنسیت گرایانه به تاریخ و ادبیات فارسی، تصویری محو و کم‌رنگ از حضور زنان دیده می‌شود که هرچه به زمانه ما نزدیکتر می‌شود این تصویر روشنتر و شفاف‌تر می‌گردد.

تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ایران را با تعداد بسیار اندک، و می‌توان گفت بی حضور زن، به صورت تک جنسی و مرد مداراته باید پذیرفت و همان گونه بررسی کرد، اما موقعیت زن در ادبیات به نوعی دیگر است. اگرچه حضور زن در تاریخ

مشروطه و زنان شاعر

روح انگیز کراچی

که از درون پوسیده بود. به استناد منابع ادبی و تاریخی، فراز و نشیب های تاریخ ادبی ایران حرکتی هماهنگ با تاریخ سیاسی ایران داشته است و تأثیری متقابل بریکدیگر گذاشته اند. رکود و ایستایی ادبیات دوره قاجاریه حکایت از تاریخ سیاسی رو به احتضار و نیمه جان این دوره دارد و نثر انتقادی و سفرنامه های آگاهی دهنده و نوشته های ادبی روشنگران دوره ناصری حاکی از آغاز دوره ای است که هنوز قدرت سنت گرایان بیش از اصلاح گران است و ارائه هر پیشنهاد اصلاحی به نابودی و عزل پیشنهاد دهنده اندیشه گر آن انجامیده است. اگرچه سعی دولتمردان آن دوره حفظ و بقای همان ساختار بود، اما از دهه های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه، آثار ادبی در نقش کار سازترین وسیله آگاهی و بیداری عمل کردند.

پایان دوره ناصری، آغاز دوره جدیدی در تاریخ ادبیات سیاسی ایران است. با نوشته های انتقادی روشنفکران، ادبیات فارسی رنگ دیگری گرفت و در تاریخ سیاسی ایران جنبشی پدید آمد. برآیند این تأثیر متقابل، آگاهی و هشیاری گروهی بود که به مداومت این حرکت یاری کردند و سبب دگرگونی ساختار جامعه شدند.

قالب های پیش ساخته سنتی و فرهنگی را از هم پاشیدند تا جایی که دخترشاه، تاج السلطنه به انتقاد از دربار پدر و برادرش ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قلم زد. حرکت آگاه کننده ای که از ادبیات آغاز شده بود در عرصه اجتماع گسترش یافت. پایگاه استبداد و اقتدار سیاسی حاکمان لرزید. اندیشه گران با افکار نو و طرح آن در نوشته های ادبی خواستار آزادی و فروپاشی استبداد بودند و در واقع رهبری اندیشه سیاسی با آن ها بود اگرچه عملاً قدرت را کسان دیگر در دست داشتند.



کرد و شعر را هم به سلیقه مرد سرود، ولی با گذشت زمان دگرگونی هایی در وضعیت سیاسی - اجتماعی به وجود آمد که ناچار تأثیری غیرقابل انکار بر زنان و نوشتار آن ها گذاشت. تغییر دیدگاه های مرد نیز این حرکت را سرعت بخشید. ادبیات انتقادی - اجتماعی اواخر دوره قاجار که بازتاب شرایط سیاسی - اجتماعی و یکی از عوامل پیش برنده هدف های مشروطه بود، در بستری مناسب آگاهی دهنده و برانگیزاننده طبقات مختلف اجتماعی علیه نظامی استبدادی شد

ادبیات فارسی حضوری نه در اوج بوده است، اما زن پیوندی ژرف با شعر فارسی دارد، چه آنجا که در نقش معشوقه و ساقی ظاهر می‌شود، چه آنجا که نخستین کلام آهنگین را به گوش فرزند می‌خواند. نقش این همراهی بر تار و پود شعر فارسی به صورت های گوناگون باقی مانده است.

اگرچه در فرهنگ مردسالارانه تصویری که از زن ترسیم شده واقعی نیست و قرن ها زن یا روش پیشنهادی مرد زندگی کرد و حتی خود را از دریچه چشم مرد تصور

اندیشه نو و میانی تجدد با بافت سنتی جامعه در تضاد بود، اما جامعه سیاست زده به دنبال نوگرایی در زمینه های غیرمعمول بود و آرمان های نوگرایان روشنفکر در جامعه سنتی چالش هایی به دنبال داشت.

نتیجه رویارویی سنت و تجدد و چالش نوجویان ملی گرا و سیاست مداران کهنه اندیش، جامعه ای نو بود که آرمانی جز آزادی، استقلال وطن، حقوق زن و عدالت نداشت، اما طلسمی که روشنفکران از نخستین دهه قرن چهاردهم قمری به اندیشه گشودنش تلاش کردند، مسأله زن و حقوق او در جامعه سنتی ایران بود که خواسته ای جدید بود و غریبی می نمود و طرح آن برخوردها و چالش های گوناگونی به همراه داشت. اگرچه انقلاب مشروطیت نتوانست ارزش های کهنه را ریشه کن کند و اوضاع جامعه را به طور کلی از نظر فرهنگی دگرگون کند، اما سبب شد تا افکار مترقی در جامعه گسترش یابد و همین اندیشه های نو سبب شد تا روش تقلیدی که در ادبیات مرسوم بود از بین برود و شاعران مضمون های تازه ای را در شعر به کار گیرند، بدین ترتیب نخستین جلوه های تجدد با اندیشه های انقلابی آراسته شد و ادبیاتی سیاست زده به وجود آمد که از چند نظر تازه بود.

در تحلیل نگرش جنسیتی در ادبیات مشروطه تأثیر یک سویه اوضاع سیاسی بر شعر زنان نشان دهنده آغاز دوره ای است که زن نیز در پی شناخت و تبیین خود برآمد تا در جامعه مرد محورانه سنتی کسب هویت کند و این بستر مناسب را مردان روشنفکر از طریق ادبیات بخصوص شعر بوجود آوردند و مطبوعات وسیله این دگرگونی شد. نشریات دوره مشروطه بی نوشتاری از زنان شاعر منتشر شد زیرا تأثیرپذیری از جو دوره انقلاب، به سبب عوامل متعدد، در زنان با کندی صورت گرفت و در آغاز باری بسیار

اندک داشت.

از آن هنگام که در نظام کهنه ارزش ها و سنت ها شکافی ایجاد شد و امکان ارائه آرمان های مترقی و جدید پدید آمد، جامعه نیز از زن، اندیشه و قلم را طلب کرد. بنابراین ضرورت جامعه تحول یافته به رغم مخالف خواتی ها، زن را در جریان شناخت هویت خویش قرار داد و زنان که به علل مختلف با جریان زنده سیاسی - اجتماعی - ادبی آشنا نبودند، تلاش کردند تا فاصله ها را به سرعت طی کنند و همگام با ادبیات نو، در جریان شعر زمانه قرار گیرند. اما این هدف به آسانی امکان پذیر نبود.

زنان که در طول تاریخ ادبی ایران جز عشق و عرفان و کلی گویی های تقلیدی چیز دیگری نسروده بودند، می بایست به ناگاه دیده بر حقایق تاریخی و اجتماعی باز کنند و برای نخستین بار از مضمون های جدیدی چون وطن، آزادی، عدالت و جنسیت خویش مفاهیمی شاعرانه بسازند و با آن بتوانند هویت جدیدی را از زن و زن شاعر نشان دهند.

زنان که به سبب فرهنگ و سنت ایرانی به اجبار در خلوت و نهانخانه بسر برده بودند و از محدوده اعتقادات و باورهای تحمیلی فارغ نبودند، با دگرگونی اوضاع سیاسی در دوران مشروطه گویی از رؤیای بی خبری برخاستند و به واقعیت های پیرامون خویش نظر کردند و در تلاش تجربه تازگی هایی بودند که مشروطه با خود به همراه آورده بود.

به استناد تذکره های موجود، در دوره قاجاریه، چهل و هشت زن شاعر شعر می سرودند و به سبب وابستگی اکثر آن ها به دربار و طبقه اشراف و خواص، با دیدگاهی انفعالی اشعاری تقلیدی و تفتنی می سرودند و از محدوده موضوعی عشق، منقبت و مرثیه فراتر نمی رفتند؛ گوهر قاجار، عفت قاجار، شاه بیگم (ضیاءالسلطنه)، جهان قاجار، واله

و بسیاری دیگر در صنعت شعر، مضامین پیشینیان را تکرار کردند و نگرشی فراتر از حصارهای «اندرونی» نداشتند، اما در تمام طول سلطنت قاجار در ایران، اشعار رشحه اصفهانی و مستوره کردستانی از نظر زبان ادبی، قالب و معنی در مقایسه با دیگر زنان شاعر از تشخیصی خاص برخوردار بود و خصلت ادبی ممتاز و دید و نگرش متفاوت، آنها را صدراعظمین شاعران زن این دوره در تاریخ ادبی ایران کرده است.

در دوره سلطنت کوتاه مظفرالدین شاه که با نوشته های اندیشه گران، پیدایش جریان تاریخی مشروطه سریعتر شد و در نتیجه ساختار جامعه دگرگون گشت، متقابلاً جامعه پر از تنش نیز خصلتی انقلابی به شعر شاعران داد و این تأثیر را دو سویه کرد. سیداشرف الدین گیلاتی، دهخدا، بهار، عارف، ادیب الممالک، لاهوتی، عشقی در متن جریان های زنده انقلابی - ادبی آن زمان ضمن تأثیرگذاری بر اوضاع سیاسی، سیاست را در قالب شعر ریختند اما زنان شاعر این دوره صدای انقلاب مشروطه را از پشت دیوارهای اندرونی شنیدند. شاعران زن بر پیدایش انقلاب سیاسی مشروطه تأثیری نداشتند و تأثیر پذیری آن ها از محیط سیاست زده مدت ها پس از امضاء مشروطه بود اما همین تأثیر یک سویه به تدریج قید و بند سنت را از ذهنیت و دیدگاه محدود و کهنه و سنتی زنان شاعر برداشت و شعر زنان را از نظر معنایی دگرگون کرد. شاعران زن در دوره مشروطه همان زبان ادبی و صورت و قالب کلاسیک را حفظ کردند اما به سبب علل و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر زنان تغییر و تحولی در نگرش آن ها پدید آمد که منجر به ثبت اندیشه های اجتماعی شد و دریچه ای تازه از جهانی متفاوت را رو به سوی اجتماع باز کرد که ذهنیت زنانه و حس و عاطفه ای تازه

را می نمود. از این دوره بود که زن ایرانی کوشید تا با تغییر خویشتن، پیرامون خود را تغییر دهد؛ به علاوه حمایت مردان روشنفکر و جامعه هیجان زده، زنان را در موقعیت مناسبتری قرارداد تا در شعرشان روزگار خود را ببینند.

«فاطمه سلطان خانم فراهانی» (شاهین) خواهر ادب الممالک از توانایی زن گفت و نجات وطن را به دانایی و اقتدار آن ها پیوند زد.

وطن فتاده به گرداب و جز به کشتی علم محال باشد جز بر شما نجات وطن
چو دختران وطن علم و دانش آموزند شوند
از اثر دانش امهات وطن
زنان به جسم وطن جان و مردها جسمند
ز روح و جسم بود جنبش و حیات وطن
ز همت سرانگشت نازپرورشان شود گشوده
گره ها ز مشکلات وطن

اندیشه نگاران ص ۱۱۰
«مهرتاج رخشان» نیز با مضمون زن و آزادی شعر را آراست و با مباحثات به توانایی و دانایی زن سرود:

نسوان شده واقف به حقوق مدنی شان
رخشان بکند فتح به لشکرشکستی شان
اندیشه نگاران ص ۱۱۱
در وصف آزادی نیز که مضمونی تازه بود چنین سرود:

جهدها و کوشش ها بایدت در این میدان
تا کنی اسیران را آشنای آزادی
جز بقای آزادی، نیست خواهش یزدان
جهد می کند شیطان در فنای آزادی

اندیشه نگاران ص ۱۱۲
«نیمتاج سلماسی» متهورتین زن شاعر نیز با اشعاری انتقادی، انقلابی ترین مضامین را فریاد کشید و این نخستین فریاد زنی شاعر بود که تازیانه وار بر گرده دولتمردان بی کفایت فرود می آمد تا آن ها را از نابسامانی اوضاع آگاه کند.

کجاست گردنکشان که بوده اندر عجم
هنوز تاریخ ما شرف از ایشان برد
کجاست یک شیر نر به عزم بندد کمر
تمام این رویهان به سوی زندان برد
اندیشه نگاران ص ۱۱۴

«فخر عظمی ارغون» نیز با شعری انقلابی، دغدغه وطن و فساد اجتماع را سرود:
حشمت و فرکیان گر بایدت این خطه را
پاک از بیداد ضحاکان دون باید نمود
هر وکیلی را که شد با زور و با زر انتخاب
از درون مجلس شورا برون باید نمود

اندیشه نگاران ص ۱۲۰
مدتی پس از آن «شمس کسماپی» با ذهنیتی جدید و مترقی و نگرشی دیگرگونه در پی دگرگونی زبان و صورت شعر کلاسیک برآمد اما سبک تازه را با جدیت دنبال نکرد.

نه یارای خیزم
نه نیروی شرم
نه تیر و نه تیغم بود نیست دندان تیزم
نه پای گریزم
از این روی در دست همجنس خود در فشارم
اندیشه نگاران ص ۱۲۸

عالمتاج قائم مقامی که جوانیش را در دوره مشروطه گذرانده بود با نگرشی جنسیت گرایانه، منحصر به فردترین شاعر تاریخ ادبی ایران است. او محصول دوره پرتلاطمی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران است که برای نخستین بار، زن، به خودباوری رسید و به جای مضمون های تکراری و تقلیدی در شعر، خویشتن زنانه خود را توصیف کرد.

من کیستم آوخ ضعیفه ای
کش نام و نشان طعن و تسخری است
دردا که درین بوم ظلماک زن را
نه پناهی نه داوری است
دیوان زاله ص ۱۲۰
به هر ترتیب دستاورد مشروطه در حوزه ادبیات زنان نزدیکتر کردن زن به هویت

زنانه، خودباوری و دگرگونی نظام اندیشگی او بود. این تأثیر نیکو، شعر زن ایرانی را از احساس محض و عشقی تقلیدی به سوی شعر اندیشه و پندار انسانی و زنانه سوق داد.

* خانم روح انگیز کراچی عضو هیئت علمی و دانشیار پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی است .
http://www.iichs.org/srcfiles/printdoc_1=doc_cat&111=aspid
منابع پژوهش:

- ۱- آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۲، تهران: جیبی- فرانکلین، ۱۳۵۱
- ۲- از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار، ۱۳۷۴
- ۳- اسحاق، محمد، سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر، تهران: طلوع و سیروس، ۱۳۳۳
- ۴- اعتماد السلطنه، محمدحسن، خیرات حسان، (چاپ سنگی) تهران: ۱۳۰۴
- ۵- ایرانی، دین شاه، سخنوران دوران پهلوی، یبیبی- چاپخانه فورت، ۱۹۳۳
- ۶- بامداد، بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، تهران: انتشارات سینا، ۱۳۴۸
- ۷- شیخ الاسلامی، پری، زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران، تهران: ۱۳۵۱
- ۸- عشقی، محمدرضا (میرزاده)، کلیات مصور میرزاده عشقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۹- قائم مقامی، زاله، دیوان قائم مقامی، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۵
- ۱۰- فویسی، فخری، کارنامه زنان مشهور ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲
- ۱۱- کراچی، روح انگیز، اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، ج ۲، تهران: دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۰
- ۱۲- کسروی، احمد، خواهران و دختران ما، ج ۲، تهران: پیمان، ۱۳۲۴
- ۱۳- کشاورز صدر، محمدعلی، از رایبه تا پروین، تهران: کاویان، ۱۳۳۳
- ۱۴- م. پاولویچ و تریاس، ایرانسکی، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار، تهران: جیبی - امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۱۵- مشیرسلیمی، علی اکبر، زنان سخنور، تهران: علمی، ۱۳۳۵
- ۱۶- مؤمنی، باقر، ادبیات مشروطه؛ تهران؛ شباهنگ، ۱۳۵۷